

## بررسی تأثیر آموزه‌های دینی در مهد کودک‌های تحت پوشش بهزیستی استان مازندران بر ارتقاء هماهنگی رفتاری با والدین

سیده‌زینب تقوی\* / محمود ستارزاده\*\*

### چکیده

این پژوهش با هدف بررسی تأثیر آموزه‌های دینی در دوران پیش‌دبستانی انجام شده است. در این بررسی از روش آزمایش استفاده، و نتیجه یک آزمون محقق ساخته قبل و پس از آموزش کودکان، در دو گروه ۵۰ نفری آزمایش و گواه، مقایسه شده است. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای نیز استفاده شده است؛ به طوری که استان مازندران به سه منطقه شرق، غرب و مرکز تقسیم، و در هر خوشه دو مهد کودک انتخاب شده است که یکی از آنها در گروه کنترل و دیگری در گروه آزمایش قرار دارد. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که آموزه‌های دینی بر آشنایی کودک با مفاهیم دینی، مسائل دینی، مناسک دینی، اماکن دینی و هماهنگی رفتاری با والدین تأثیر معناداری دارد. کلید واژه‌ها: آموزه‌های دینی، دوران کودکی، هماهنگی رفتاری با والدین، مفاهیم دینی، مسائل دینی، مناسک دینی، اماکن دینی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پایان‌نامه علمی-پژوهشی

\* کارشناس ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی. دریافت: ۸۸/۹/۱۸ - پذیرش: ۸۸/۱۱/۳  
\*\* کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

**مقدمه**

دوران کودکی نقش مهمی در سرنوشت انسان ایفا می‌کند و خاستگاه بسیاری از مشکلات و نارسایی‌های تربیتی و موفقیت‌های دوران بزرگ‌سالی در این دوران نهفته است. رشد جسمی، ذهنی، عاطفی، اجتماعی و شخصیتی کودکان در دوران قبل از دبستان و توجه به این مراحل، چنان اهمیتی دارد که سهل‌انگاری و کم‌توجهی به آنها، خسارت جبران‌ناپذیری را برای فرد و جامعه به همراه خواهد داشت.

شیوهٔ فرزندپروری، روش‌های ارتباطی بزرگ‌سالان با کودکان شیوه‌های آموزش رسمی و آموزه‌های دینی، از مهم‌ترین عوامل رشد شخصیتی کودکان هستند که دین اسلام اهمیت فراوانی برای آن قائل است.<sup>۱</sup> روان‌شناسان نیز امروزه معتقدند که آموزش‌های دینداری باید از دوران کودکی آغاز شود تا نهاد کودک رنگ و بوی دینی بگیرد و رفتار او در دوره‌های دیگر زندگی مبنی بر دینداری باشد.<sup>۲</sup> در کتاب‌های دینی و روان‌شناسی، از آثار تربیت دینی و دوران کودکی بسیار سخن گفته شده است؛ از جمله این که کودکی که با خدا آشناست، هیچ‌گاه احساس پوچی نمی‌کند و در جای جای زندگی‌اش تکیه‌گاه محکمی خواهد داشت و با همین تکیه‌گاه، در برابر مشکلات استقامت می‌کند. تربیت دینی کودک موجب می‌شود او با والدین خود نیز به خوبی رفتار کند و این موجب افزایش وابستگی به والدین می‌شود. البته در این مورد تا کنون پژوهشی علمی در ایران انجام نشده است. از این‌رو، در این پژوهش بر آن شدیم تأثیر آموزه‌های دینی را بر ارتقای هماهنگی رفتاری با والدین بررسی کنیم. بدیهی است نتایج این بررسی راه را برای آموزش درست دین در دوران پیش‌دبستان هموار خواهد کرد و در محتوای آموزشی مهدهای کودک تحت پوشش بهزیستی تحول ایجاد خواهد کرد؛ به عبارت دیگر، با تعیین سهم پرورش دینی در فرایند زندگی و کنش متقابل، می‌توان از این ابزار در جهت هدایت نسل آینده به شکل مطلوب‌تری استفاده کرد.

**اهمیت و ضرورت طرح**

از شگفتی‌های دنیای کودکان، مذهب، ایمان و اعتقاد آنهاست. کودک فطرتی خدا آشنا دارد و مبانی بسیاری از باورهای مذهبی در درون او وجود دارد که با اندک تذکری از والدین و مربیان، و با یافتن مصداق‌هایی در جهان خارج، می‌کوشد آن را بپذیرد و خود را با آن تطابق دهد. بی‌تردید معنا و مفهوم مذهب و آموزه‌های آن بسیار، و در برگیرندهٔ همه ابعاد حیات انسان است؛ اما کودک از مذهب آن چیزی را می‌پذیرد که متناسب با خواسته‌های او و مبتنی بر مشاهدات، تجارب و یافته‌های شخصی اوست. به تدریج که رشد و آگاهی کودک افزایش می‌یابد، دامنهٔ ارتباط او با مذهب بیشتر شده و موجب پیدایش حالت‌هایی در کودک می‌شود

که می‌توان آن را حالت‌های مذهبی خواند؛ حالت‌هایی که تجلی آن حتی در سن هفت یا هشت سالگی و در مواردی نیز حتی در سنین کمتر دیده می‌شود.<sup>۳</sup>

نوع برخورد والدین و مربیان با کودک، در پیدایش تظاهرات مذهبی کودک نقش دارد. درباره پیدایش حس مذهبی، بررسی‌های روان‌کاوان نشان می‌دهد که پیدایش حس مذهبی مربوط به ماه‌های قبل از چهار سالگی است و در برخی از کودکان از حدود سن دو یا سه سالگی نیز دیده شده است. با رشد و افزایش سن، این احساس غلی می‌شود؛ آنچنان که در شش سالگی می‌توان، تظاهرات مذهبی و علاقه به انجام دادن رفتار را در کودک دید. مذهب در سنین مختلف برای کودکان معانی مختلف دارد، ولی دنیای آنها از حدود شش سالگی دنیای عشق و محبت، احترام به خدا، ستایش و نیایش او، احساس شرمساری در صورت تخلف از دستور خدا و حتی این امر در قیافه او هم پیدا است. از حدود هشت سالگی به بعد شوق مذهبی او بیشتر، به مسائل مذهبی علاقه‌مندتر و به عبارات دیگر متدین‌تر می‌شود.<sup>۴</sup>

از حدود چهار سالگی، کنجکاو سراسر وجود کودک را فرا می‌گیرد و این مسئله موجب آشنایی وی با برخی حقایق می‌شود. این آشنایی‌ها خود منجر به مبدأ جویی و قبول خدا خواهد شد. این مرحله، سن طبیعی برای پذیرش خداوند است. کودک در این سن این احساس را دارد که هیچ چیز بدون علت پدید نمی‌آید و چنین احساسی می‌تواند اساس همه داوریه‌های او باشد.<sup>۵</sup> کودک چهار ساله به والدین خود وصل است. پدر خود را بزرگ و مهم می‌داند و تلقی او از خدا این است که همچون پدر او، ولی بزرگ‌تر است. او حتی خداوند را چون عضوی از اعضای خانواده خود به شمار می‌آورد؛ چه بسا او عکسی زیبا، ولی عجیب و غریب را عکس خدا تصور کند و به آن صورت معبود بدهد. البته چنین توصیفی بیشتر اوقات او را راضی می‌کند.

مفهوم خدا و صفات او تا حدود شش سالگی هنوز امر ریشه‌دار نیست، ولی از حدود هفت سالگی خدا را مقامی قدرتمند می‌داند که ارزشی بالاتر از ارزش والدین دارد و می‌خواهد با دستوره‌های او آشنا شود. صفات خدا تا حدودی برای او آشناست، لیکن جنبه‌هایی چون ازلی و ابدی بودن او نامفهوم است و باید دانست که او هنوز با جنبه‌های محسوس آشناست نه با مسائل مجرد و ذهنی.<sup>۶</sup> بررسی‌ها نشان می‌دهد کودک از حدود سه سالگی، علاقه‌ای بسیار به دعا و سرودهای مذهبی دارد و از تکرار آن، به ویژه اگر همراه با آواز جمعی باشد، بسیار لذت می‌برد. به تدریج از حدود شش سالگی، ارتباطش با خدا به صورت حرف زدن و درخواست کردن است. البته نوع درخواست‌های او صورت مادی دارد؛ مانند خوردنی‌ها، اسباب‌بازی‌ها، لباس و... با افزایش سن، توقع او از خدا نیز زیادتر می‌شود.

### اهداف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش، بررسی تأثیر آموزه‌های دینی بر ارتقای هماهنگی رفتاری با والدین در مهدهای کودک تحت پوشش بهزیستی استان مازندران است. اهداف اختصاصی این پژوهش عبارتند از:

- الف) بررسی تأثیر آموزه‌های دینی بر کنجکاوی کودک در مورد مسائل دینی؛  
 ب) بررسی تأثیر آموزه‌های دینی بر آشنایی کودک با اماکن مذهبی؛  
 ج) بررسی تأثیر آموزه‌های دینی بر آشنایی کودک با اعمال مذهبی؛  
 د) بررسی تأثیر آموزه‌های دینی بر آشنایی کودک با هماهنگی رفتاری با والدین.

### فرضیه‌های پژوهش

- آموزه‌های دینی بر کنجکاوی کودک در مورد مسائل دینی مؤثر است.
- آموزه‌های دینی بر آشنایی کودک با اماکن مذهبی مؤثر است.
- آموزه‌های دینی بر آشنایی کودک با اعمال مذهبی مؤثر است.
- آموزه‌های دینی بر آشنایی کودک با هماهنگی رفتاری با والدین مؤثر است.

### پیشینه پژوهش

بر اساس مطالعه جدیدی که تأثیر دین را بر رشد و ارتقای کودکان بررسی کرده است، مشخص شده است کودکانی که والدین مذهبی دارند، بهتر از دیگر کودکان رفتار می‌کنند و خود را با شرایط تطبیق می‌دهند. جان بار تکوسکی - جامعه‌شناس دانشگاه ایالت می‌سی‌سی‌پی - و همکارانش تصمیم گرفتند از والدین و مربیان بیش از ۱۶ هزار کودک که بیشتر آنها در سال‌های آغازین تحصیل بودند، ارزشیابی کنند که کودک آنها چقدر بر خود کنترل دارد و آیا با آنها تعامل دارد یا خیر؟ محققان نمره‌ای به دست آمده را با اظهارات والدین مبنی بر اینکه چند وقت یکبار به مکان‌های مذهبی می‌روند، آیا در این باره با کودکان‌شان صحبت می‌کنند یا خیر و آیا درباره مسائل دینی در خانه مشاجره می‌کنند یا نه، مقایسه کردند. نتیجه نشان می‌دهد کودکانی که والدین‌شان به طور مرتب در مراکز دینی شرکت داشتند و با کودک‌شان در مورد دین صحبت می‌کردند، در مقایسه با کودکانی که والدین‌شان مذهبی نبودند، از والدین و مربیان نمره بهتری در مورد کنترل بر خود، مهارت‌های اجتماعی و تمایل به یادگیری کسب کردند. افزون بر این، حرف‌های والدین‌شان را در خانه عمیق‌تر درک می‌کردند. وی نتیجه گرفت ارزش‌های مذهبی در شکل‌گیری ارتباط والدین با کودکان و در نتیجه رشد کودکان در واکنش به این ارتباط، بسیار مهم هستند. پژوهش‌های متعدد نشان می‌دهد مذهب‌گرایی درونی با احساس کفایت و کنترل، همبستگی مثبت دارد و با رویکردی منعطف و فعال در حل مسئله همراه است.<sup>۷</sup> همچنین ایمان مذهبی، احساسی از مثبت‌اندیشی و امید به آینده تولید می‌کند. این یافته‌ها بیانگر آن است که باورهای مذهبی نوعی اعتماد، و رویکردی همراه با اطمینان به خود نسبت به زندگی را پرورش می‌دهند؛ همان چیزی که پایگاه امن فراهم می‌کند. گفتنی

است با وجود تأکید بر باورهای مذهبی و لزوم آموزش آن در دوران کودکی در ایران، هیچ پژوهشی در زمینه پیامدهای این آموزش‌ها مشاهده نشد.

### روش‌شناسی

از آنجا که هدف از اجرای پژوهش، ارزیابی تأثیر یک دوره آموزشی می‌باشد، از روش آزمایش استفاده شده است. به صورتی که آزمون محقق‌ساخته‌ای قبل از آموزش اجرا شد و پس از اجرا آموزش نیز دوباره تکرار شد تا تفاوت بین دو دوره مشخص گردد. برای اطمینان از نتایج بررسی، یک گروه آزمایش و یک گروه کنترل در نظر گرفته شده است؛ به گونه‌ای که آموزه‌های دینی تنها در گروه آزمایش آموزش داده شد. گروه کنترل به روند قبلی ادامه داد و سپس نتایج آزمون مجدد در دو گروه مقایسه شد.

جامعه آماری این پژوهش عبارتند از همه کودکان پنج ساله که در مهدهای کودک تحت پوشش بهزیستی استان مازندران در حال تربیت و آموزش هستند. به طور کلی ۸۸۲ مهد کودک در استان تحت پوشش سازمان بهزیستی قرار دارد که ۲۷۰۰۰ نفر کودک در آن در حال آموزش هستند.

در این پژوهش، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شده است؛ به طوری که استان به سه منطقه شرق، غرب و مرکز تقسیم شد و از هر منطقه، دو مهد کودک انتخاب شده است که یکی از آنها در گروه کنترل و دیگری در گروه آزمایش قرار دارد.

بر این اساس، مهد کودک‌های بهاران در شهر ساری، آفرینش در شهر بابل و بعثت در شهر نوشهر در گروه آزمایش و مهد کودک‌های محبت در شهرساری و شارا در شهر بابل و تارا در شهر نوشهر در گروه کنترل قرار دارند. روش نمونه‌گیری از مادران نوآموزان این مهد کودک‌ها نیز به صورت سیستماتیک بوده است. حجم نمونه در این پژوهش ۱۰۰ نفر بوده است که ۵۰ نفر برای گروه گواه و ۵۰ نفر برای گروه آزمایش در نظر گرفته شده‌اند.

### ابزار گردآوری اطلاعات

در این پروژه، ابتدا از داستان، شعر، نقاشی، رنگ‌آمیزی و نمایش (در قالب بسته آموزشی که براساس ویژگی‌های روان‌شناختی کودکان طراحی شده و در اختیار مربی قرار گرفته است) برای آموزش و سپس از پرسش‌نامه محقق‌ساخته برای ارزشیابی استفاده شد.

روایی این ابزار با استفاده از روش پیش‌آزمون و ضریب همبستگی آلفای کرونباخ به میزان ۷۸ درصد به دست آمد، که میزان روایی قابل قبولی می‌باشد.

### روش جمع‌آوری اطلاعات

ابزار طراحی شده قبل از شروع آموزش در اختیار مادران گروه کنترل و گروه آزمایش قرار داده

شد. آموزش بر اساس بسته پکیج طراحی شده در طول ده روز کاری در کودکان گروه آزمایش انجام شد. هر موضوع، برای آموزش دوره طراحی شد. کودکانی که حتی یک روز غیبت داشتند، از نمونه حذف شدند. سه روز پس از آزمایش، آزمون دوم در هر دو گروه (کنترل و آزمایش) تکرار شد و نتیجه دو آزمون در دو فاصله زمانی و در گروه کنترل و آزمایش مقایسه شد.

### یافته‌های پژوهش

#### ۱. کنجاوی در مورد مسائل دینی

کنجاوی در مورد مسائل دینی، با استفاده از چهار گویه در پرسش‌نامه سنجیده شد. جدول زیر نشان می‌دهد که قبل از آموزش آموزه‌های دینی، کنجاوی کودکان در مورد مسائل دینی زیاد نبود، اما پس از آموزش، ۷۸ درصد مادران گزارش دادند که کودکان‌شان در مورد مسائل دینی زیاد پرسش می‌کنند.

جدول توزیع فراوانی میزان کنجاوی کودکان در مورد مسائل دینی، قبل و بعد از آموزش

پس آزمون		پیش آزمون		کنجاوی در مورد مسائل دینی
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
-	-	۶	۳	بسیار کم
-	-	۵۰	۲۵	کم
۲۲	۱۱	۴۴	۲۲	تا حدودی
۵۰	۲۵	-	-	زیاد
۲۸	۱۴	-	-	بسیار زیاد
۱۰۰	۵۰	۱۰۰	۵۰	جمع

میانگین کنجاوی کودکان در مورد مسائل دینی در گروه آزمایش، پس از آموزش افزایش چشمگیری یافت. برای بررسی تأثیر آموزه‌های دینی بر کنجاوی کودکان در مورد مسائل دینی، از آزمون  $t$  زوجی استفاده شد. نتیجه این آزمون نشان می‌دهد بین کنجاوی کودکان در مورد مسائل دینی، قبل و بعد از آموزش آموزه‌های دینی، تفاوت معناداری مشاهده شده است. (P-Value=/. . .)

آزمون  $t$  برای بررسی تفاوت کنجاوی کودکان در مورد مسائل دینی، قبل و بعد از آموزش

کنجاوی در مورد مسائل دینی	میانگین	انحراف استاندارد	آماره $t$	درجه آزادی	سطح معناداری
پیش آزمون	۸/۱۴	۲/۲۴۹۸۱	-۱۳/۹۴۹	۴۹	۰/۰۰۰
پس آزمون	۱۴/۷۶	۲/۵۹۹۵۳			

#### ۲. آشنایی کودکان با اماکن مذهبی

میزان آشنایی ۴۸ درصد کودکان قبل از آموزش کم، ۵۰ درصد متوسط و ۶ درصد زیاد بوده است. این میزان پس از آموزش به ۶ درصد آشنایی کم، ۲۰ درصد آشنایی متوسط و ۷۴ درصد آشنایی زیاد منجر شد.

جدول توزیع فراوانی میزان آشنایی کودکان با اماکن مذهبی، قبل و بعد از آموزش

پس آزمون		پیش آزمون		آشنایی با اماکن مذهبی
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
-	-	۶	۳	بسیار کم
۶	۳	۳۸	۱۹	کم
۲۰	۱۰	۵۰	۲۵	تا حدودی
۵۴	۲۷	۶	۳	زیاد
۲۰	۱۰	-	-	بسیار زیاد
۱۰۰	۵۰	۱۰۰	۵۰	جمع

میانگین آشنایی کودکان با اماکن دینی مانند مسجد و... در گروه آزمایش پس از آموزش افزایش چشمگیری یافت. برای بررسی تأثیر آموزه‌های دینی بر این آشنایی، از آزمون  $t$  زوجی استفاده شد. نتیجه این آزمون نشان می‌دهد بین پیش آزمون، و پس آزمون تفاوت معناداری مشاهده شده است. ( $P\text{-Value} = \dots$ )

آزمون  $t$  برای بررسی تفاوت آشنایی کودکان با اماکن مذهبی، قبل و بعد از آموزش

سطح معناداری	درجه آزادی	آماره $t$	انحراف استاندارد	میانگین	آشنایی با اماکن مذهبی
۰/۰۰۰	۴۹	-۹/۷۳۳	۲/۳۰۵۳۶	۸/۵۴	پیش آزمون
			۲/۹۴۶۰۵	۱۳/۸۸	پس آزمون

### ۳. آشنایی کودکان با اعمال مذهبی

قبل از آموزش، میزان آشنایی ۶ درصد از کودکان با اعمال مذهبی زیاد بود؛ اما پس از آموزش، این میزان به ۹۲ درصد افزایش یافت.

جدول توزیع فراوانی میزان آشنایی کودکان با اعمال مذهبی، قبل و بعد از آموزش

پس آزمون		پیش آزمون		آشنایی با اعمال مذهبی
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
-	-	۸	۴	بسیار کم
۲	۱	۲۴	۱۵	کم
۶	۳	۶۲	۳۱	تا حدودی
۵۸	۲۹	۶	۳	زیاد
۳۴	۱۷	-	-	بسیار زیاد
۱۰۰	۵۰	۱۰۰	۵۰	جمع

بنابر گفته مادران، میانگین آشنایی کودکان با اعمال مذهبی از جمله نماز، روزه و... در گروه آزمایش، پس از آموزش افزایش چشمگیری یافت. نتیجه آزمون نشان می‌دهد بین پیش آزمون و پس آزمون تفاوت معناداری مشاهده شده است. ( $P\text{-Value} = \dots$ )

آزمون  $t$  برای بررسی تفاوت آشنایی کودکان با اعمال مذهبی، قبل و بعد از آموزش

سطح معناداری	درجه آزادی	آماره $t$	انحراف استاندارد	میانگین	آشنایی با اعمال مذهبی
۰/۰۰۰	۴۹	-۱۲/۰۹۶	۲/۷۵۸۳۶	۹/۰۶	پیش آزمون
			۲/۳۰۲۵۲	۱۵/۳۸	پس آزمون

#### ۴. هماهنگی رفتاری کودکان با والدین

تمامی کودکان گروه آزمایش قبل از آموزش آموزه‌های دینی، هماهنگی کمی با والدین‌شان داشتند. پس از آموزش، ۲۶ درصد از کودکان، هماهنگی کم، ۶۰ درصد هماهنگی متوسط و ۱۴ درصد هماهنگی زیادی با والدین‌شان داشتند.

جدول توزیع فراوانی میزان هماهنگی رفتاری کودکان با والدین، قبل و بعد از آموزش

پس‌آزمون		پیش‌آزمون		هماهنگی با والدین
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
-	-	۹۸	۴۹	بسیار کم
۲۶	۱۳	۲	۱	کم
۶۰	۳۰	-	-	تا حدودی
۱۰	۵	-	-	زیاد
۴	۲	-	-	بسیار زیاد
۱۰۰	۵۰	۱۰۰	۵۰	جمع

میانگین هماهنگی رفتاری با والدین، پس از آموزش به میزان زیادی افزایش یافت. آزمون t نیز این تفاوت را از نظر آماری کاملاً معنادار نشان می‌دهد.

آزمون t برای بررسی تفاوت هماهنگی رفتاری کودکان با والدین، قبل و بعد از آموزش

هماهنگی با والدین	میانگین	انحراف استاندارد	آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری
پیش‌آزمون	۹/۷۶	۲/۷۸۱۵۷	-۱۴/۶۲۴	۴۹	۰/۰۰۰
پس‌آزمون	۱۶/۵۴	۲/۰۷۲۲۷			

#### نتیجه‌گیری

تمامی فرضیه‌های این پژوهش تأیید شده است. نتایج این پژوهش بیانگر تأثیر آموزش دین در دوران کودکی بر آگاهی کودک از مسائل دینی - در حد خودش - و هماهنگی رفتاری و سازگاری بیشتر با والدین بوده است. بدیهی است که در دنیای کنونی، آموزش جایگاه ویژه‌ای دارد؛ به گونه‌ای که آن را از اصول اولیه زندگی می‌نامند و معمولاً مورد توجه عموم قرار دارد. از آنجا که آموزش ابعاد مختلفی را شامل می‌شود، باید از سنین کودکی مورد توجه قرار گیرد. ضرورتی که متأسفانه امروزه خانواده‌ها و مراکز آموزشی کمتر بدان توجه می‌کنند و در مواردی نیز که فعالیت‌هایی صورت می‌گیرد، به دلیل کارشناسی نادرست و آگاهی نداشتن دست‌اندرکاران برنامه‌ها، نتیجه مطلوبی به دست نمی‌آید.

بی تردید چنانچه به این بُعد از آموزش توجه لازم صورت گیرد و به شکل اصولی به آن پرداخته شود، نسل‌های آینده از اعتقادات محکم و صحیحی برخوردار خواهند بود و افزون بر رشد و کمال فردی خود، در سازندگی جامعه نیز موثر خواهد بود.

آنچه دست‌اندرکاران امر آموزش مبانی دینی - اعم از خانواده و یا مبلغان و مسئولان



محیط‌های آموزشی - باید به آن توجه کامل داشته باشند، دل‌زده‌نشدن کودکان است. در واقع آموزش‌ها در دوران کودکی باید به شکلی طراحی و اجرا شوند که هیچ‌گونه دل‌زدگی و خستگی را در کودکان ایجاد نکند؛ زیرا آموزش در سنین کودکی از تأثیر و ماندگاری مناسبی برخوردار است. از این‌رو، باید در این دوران، با در نظر گرفتن ظرافت‌ها و حساسیت‌های لازم، برنامه‌ریزی‌های دقیق صورت گیرد. در دوران نوجوانی و جوانی، آموزش‌گیرندگان از استدلال قوی و نگاه دقیق‌تری به مسائل برخوردارند، اما ماندگاری آموزش‌ها در این دوره در مقایسه با دوران کودکی کوتاه و گذراست و کمتر در درون افراد نفوذ می‌کند.

برای فعالیت مؤثر و مناسب به منظور ارائه تبیین مباحث دینی، باید به دو مقوله مهم و اساسی توجه شود؛ اول اینکه متولیان از صلاحیت کامل برخوردار باشند و دیگر اینکه، علم و آگاهی لازم برای این کار وجود داشته باشد. پرهیز از کارها و روش‌های خشن و سخت و همچنین اعمال سخت‌گیری بی‌دلیل، از دیگر ضرورت‌های آموزشی مبانی دینی برای کودکان است. سخت‌گیری‌ها در این سن، جز دل‌زدگی و گریز از مبانی دینی در کودکان، نتیجه دیگری در پی نخواهد داشت. اگر به دستاوردها و نتایج بسیار مثبت و ارزنده آموزه‌های دینی از سنین کودکی توجه کافی می‌شد، خانواده‌ها در منزل و مسئولان آموزشی در محیط‌های آموزشی نیز از همان سال‌های آغاز تعلیم و تربیت، بیشترین وقت خود را به این مسئله مهم اختصاص می‌دادند.

حضرت علی علیه السلام فرموده‌اند: «به درستی که قلب نوجوان مانند زمین حاصل‌خیزی است که هر چه در آن قرار گیرد مورد پذیرش واقع شده و دارای نتیجه است».<sup>۸</sup> این گفته به خوبی نقش آموزش و تعلیم و تربیت در سنین کودکی و نوجوانی را برای ما بازگو می‌کند. همان‌گونه که والدین تلاش بسیاری برای بهداشت و سلامت جسم فرزندان خود دارند، باید درباره دیگر مسائل نیز حساس باشند و به منظور تربیت بعد روحی نیز که بدون رشد صحیح آن، لذت و زیبایی ارزش زندگی از بین می‌رود، با حساسیت و توجه ویژه برخورد کنند. هر دو بعد وجودی انسان نیاز به پرورش و تربیت و تأمین نیازمندی‌های خاص دارند؛ این اهمیت به قدری است که خداوند متعال انبیا و اولیا را برای تربیت انسان مبعوث کرده است. هم‌چنان که آب از سرچشمه پاک و زلال است و در مسیری که طی می‌کند، امکان آلودگی آن وجود دارد، فطرت انسان نیز که در بدو تولد پاک است، در طول زندگی، امکان آلودگی آن وجود دارد. از این‌رو، باید با توجه ویژه و تربیت قوی، از این آلودگی‌ها جلوگیری کرد.<sup>۹</sup> دانشمندان تعلیم و تربیت نیز اعتقاد دارند کودکان از بدو تولد شروع به یادگیری می‌کنند و آنچه که کودکان در پنج سال اول می‌آموزند، مبنای یادگیری آینده آنها خواهد بود. پس

اهمیت یادگیری در سنین کودکی بسیار بالا است و این والدین هستند که تصمیم می‌گیرند فرزندان عزیز خود را در چه مسیر تربیتی قرار دهند. بسیار مشاهده شده است که والدین از کودکان خردسالی که همچون انسان‌های بالغ امور دینی خود را انجام می‌دهند، با شور و هیجان خاصی تعریف و تمجید می‌کنند؛ برای مثال، وقتی کودکی خردسال پرورش‌یافته در مراکز قرآنی به تلاوت آیات آسمانی می‌پردازند یا بر منبر می‌رود و نکات خاصی را بیان می‌کند، همه والدین با شادمانی لبخند می‌زنند، ولی خود برای فرزندانشان گامی بر نمی‌دارند.

بدیهی است پایدارترین و خوشایندترین یادگیری‌ها، یادگیری غیرمستقیم و مشاهده‌ای است؛ زیرا یادگیری بر اساس رغبت و انگیزه‌های موجود، آگاهانه و بدون جبر و فشار روانی صورت می‌گیرد و می‌تواند تمامی حواس انسان را با نوعی احساس خوشایند و بدون دشواری، متوجه رفتار مناسبی سازد. بنابراین، لازم است به چنین موقعیت‌هایی در زندگی کودکان توجه خاص داشته باشیم. موقعیت و زمینه‌ای که کودک را به شکل شایسته‌ای در معرض مشاهده و یادگیری رفتارها و تکالیف مذهبی قرار می‌دهد و آنان را در جهت گرایش‌های فطری و ارضای نیازهای روانی خود تقویت می‌کند، احساس رضایت قلبی آنان را به ارمغان می‌آورد و آنها را در جهت درک بسیاری از مسائل مذهب و دین، راهنمایی و هدایت می‌کند. درک و پذیرشی که به صورت میل و گرایش و موافق فطرت آدمی سبب نشاط و بهجت درونی کودکان شده و آنها را در مسیر تکاملی زندگی پشتیبانی می‌کند، شکوفایی و بالندگی استعدادها را در پی خواهد داشت و آنها را در مسیر تجلی ارزش‌ها و فضیلت‌های معنوی تقویت خواهد کرد.

برای رسیدن به چنین موقعیت متعالی، نیاز به زمینه‌سازی و آمادگی روان و عواطف کودکان مان خواهیم داشت تا در مراحل اولیه زندگی خود، چهره شادمان و با نشاط والدین را پس از ارائه هر رفتار مطلوب تجربه کند. کودک باید در مراحل بعدی حیات که بعد عقلائی، تکامل نسبی خواهد یافت، رفتارهای تقلیدشده خود را موافق دریافت‌های فکری ببینند و به تثبیت رفتارهای مناسب و مطلوب خود بپردازد تا رشد و بالندگی آنان حاصل آید.

برای بررسی جایگاه پرورش دینی در تربیت دینی کودکان، لازم است به اصول تربیت دینی کودکان توجه شود و سهم پرورش حس دینی در گرایش به دین و مذهب در دین‌باوری مشخص شود تا بهتر بتوانیم از این ابزار برای هدایت فرزندان مان استفاده کنیم.<sup>۱۰</sup>

## پی‌نوشت‌ها

- ۱ غلامعلی افروز، روان‌شناسی و تربیت کودکان و نوجوانان، ص ۱۱.
- ۲ میر چاد الیاده، دین پژوهشی، بهاء‌الدین خرمشاهی، ج ۱، ص ۲۴.
- ۳ علی قائمی، تربیت و بازسازی کودکان، ص ۳۱۲.
- ۴ مجید رشیدپور، «بیدارسازی حس مذهبی در کودکان»، پیوند، ش ۲۶۸، ص ۵۸.
- ۵ احمد بهشتی، اسلام و بازی کودکان، ص ۲۱۲.
- ۶ مجید رشیدپور، «بیدارسازی حس مذهبی در کودکان»، پیوند، ش ۲۶۸، ص ۴۹.
- ۷ میلرتون و بینگر و محمد لگن هاوزن، دین و چشم‌اندازهای نو، ص ۷۹.
- ۸ عبدالله شفیع‌آبادی، راهنمایی و مشاوره کودک (مفاهیم و کاربردها)، ص ۶۰.
- ۹ محسن شکوهی یکتا، تعلیم و تربیت اسلامی، (مبانی و روش‌ها)، ص ۲۱۴.
- ۱۰ فریبرز رئیس دانا، والدین و فرزندان زیر شش سال، ص ۴۲۹.

## منابع

- افروز، غلامعلی، روان‌شناسی و تربیت کودکان و نوجوانان، تهران، انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۷۴.
- بهشتی، احمد، اسلام و بازی کودکان، تهران، وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۶۶.
- پرینگل، میاکلمر، نیازهای کودکان (دور نمای فردا) نیره ایجاد و جواد شافعی مقدم، تهران، رشد، ۱۳۸۰.
- خمارلو، توران (میر هادی)، کتاب کار مربی کودک (برنامه کار سالانه مربی در مهد کودک و کودکان)، تهران، آگاه، چ دهم، ۱۳۷۹.
- رئیس دانا، فریبرز، والدین و فرزندان زیر شش سال، تهران، رشد، ۱۳۸۴.
- رشیدپور، مجید، «بیدارسازی حس مذهبی در کودکان»، پیوند، ش ۲۶۸، تابستان ۱۳۸۰، ص ۴۶ - ۶۱.
- شفیع‌آبادی، عبدالله، راهنمایی و مشاوره کودک (مفاهیم و کاربردها)، تهران، سمت، ۱۳۷۴.
- شکوهی یکتا، محسن، تعلیم و تربیت اسلامی، (مبانی و روش‌ها)، تهران، ایران، ۱۳۷۰.
- قائمی، علی، تربیت و بازسازی کودکان، تهران، امیری، چ نهم، ۱۳۷۴.
- قائمی، علی، خانواده و مسائل مبنی بر کودکان، تهران، انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۸۴.
- لطف‌آبادی، حسین، رشد اخلاقی، ارزشی و دینی در نوجوانی و جوانی، تهران، نسل سوم، ۱۳۸۲.
- بینگر، میلرتون و لگن هاوزن، محمد، دین و چشم‌اندازهای نو، غلام‌حسین توکلی، تهران مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، ۱۳۷۷.
- الیاده، میر چاد، دین پژوهشی، بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۵.
- Developmental approach. In t. lickona(Ed)
- Kohlberg, moral stages and moralization: the cognitive, 1976.
- Pargament, Kenneth 1, the psychology of Religion and coping (theory Research, practice) Guilford press, 1997.